



این زمینه قدم‌هایی برداشته و تسهیلاتی در زمینه تجارت فراهم نماییم.

در مورد مالیات‌ها و اصلاح نظام مالیاتی نیز، اقداماتی صورت گرفته است. مثلاً، تغییری که در مورد نرخ مالیات بردارآمد شرکت‌ها صورت گرفت و از حدود ۵۶ درصد به ۲۵ درصد کاهش پیدا کرد، در تأمین درآمدهای مالیاتی بالاتر، تأثیر بسزایی داشت. تنوع پایه‌های مالیاتی، مالیات بر کالاها و خدمات در زمان خرید و مالیات بر ارزش افزوده، از جمله اقدامات مؤثری بوده که می‌توان در این زمینه مثال زد.

در زمینه بانک‌ها، تردیدی در این نیست که ما با بانکداری پیشرفته جهانی فاصله داریم، ولی خوشبختانه کشور ما در معرض تجربیات بسیار مفید بانکداری جهانی قرار دارد - از بانکداری الکترونیکی گرفته تا تنوع حساب‌های بانکی و خدمات رسانی که بانک‌ها در دنیا در حال انجام دادن آن هستند. به عنوان مثال، ایجاد بانک‌های خصوصی، که در برنامه سوم صورت گرفت، منشأ تحولات بسیار خوبی بود. از طرفی معتمد، دولت باید شرایط آزاد و رقابتی سالم بین بانک‌های خصوصی و دولتی به وجود آورد.

سئوال: با توجه به مشکلاتی که بعضاً در حوزه اجرا وجود داشته است، تا چه حد به اجرای موفق طرح فوق‌خوشبین هستتید و معیارهای شما برای موفقیت اجرای طرح تحول چه می‌باشد؟

برای آن که بخواهیم، ساختار اقتصاد کشور را اصلاح کنیم، حتماً نیازمند یک سازمان برنامه‌ریزی هستیم که با تجربه کارشناسی به عنوان یک فرا سازمان، این امور را به صورت یک مجموعه مرتبط به هم مدیریت نماید. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، از جمله سازمان‌هایی بود که می‌توانست ارتباط بخش‌های مختلف اجرایی کشور را در یک مجموعه هماهنگ، سامان‌دهی کند. من تردیدی ندارم که بخشی از مشکلاتی که ما الان در کشور با آن روبه‌رو هستیم، در نبود یک چنین سازمانی صورت گرفته است.

سئوال: این طرح را تا چه حد در راستای اهداف قوانین برنامه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله می‌دانید؟ قطعاً هرگونه تحول که در مسایل اقتصادی کشور

سابقه و آینده طرح تحول اقتصادی

تحول، تازه نیست

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر حمیدرضا برداران شرکا، مدیر گروه پژوهشی برنامه و بودجه، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

را با سیستم اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی آنها با هم ببینیم و به صورت منظم و منطقی، با سازوکار از قبل بررسی و مطالعه شده، اصلاحات ساختاری را آغاز کنیم. این همان هدفی بوده که ما در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی داشتیم.

سئوال: با توجه به این که محور اصلی تحولات رییس‌جمهور موضوع یارانه‌ها است، نقدی کردن یارانه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تقریباً دغدغه اصلی اکثر اقتصاددانان این است که اگر ما، به سمت نقدی شدن یارانه برویم، به خصوص اگر سازوکار مناسب در نظر گرفته نشود، می‌تواند یک آثار منفی به وجود بیاورد که هزینه آن، بیشتر از فایده‌اش می‌باشد. لذا بهتر است که ما به همان بحث هدفمند کردن یارانه‌ها بیشتر توجه کنیم. نکته‌ای که فراموش یا نسبت به آن بی‌توجهی کرده‌ایم این است که مبالغی که ما پرداخت می‌کنیم، یارانه‌ای است که به صورت کالاهای مصرفی به افراد پرداخت می‌شود، که نتیجه آن، پایین نگه داشتن قیمت این کالاها و خدمات است. اگر بخواهیم یارانه‌ها را به صورت نقدی پرداخت کنیم، اول باید برای مدت معینی، اصلاح قیمتی صورت بگیرد و دولت از محل پرداخت یارانه که بابت این اصلاح قیمتی می‌داده است، یک بخشی را صرفه‌جویی و یک منبع درآمدی برای خود ایجاد نماید و بعداً این یارانه‌ها پرداخت شود، در حالی که می‌بینیم هیچ بحثی از اصلاح قیمتی نشده است.

آیا اول اصلاح قیمتی صورت می‌گیرد و بعد از مدتی، یارانه‌ها به صورت نقدی پرداخت می‌شوند یا اول یارانه‌ها به صورت نقدی پرداخت شده و بعد اصلاح قیمتی صورت می‌گیرد؟ در حال حاضر مشخص نیست که ما می‌خواهیم چه کالاهایی را اصلاح قیمتی کنیم و از چه زمانی قصد اصلاح داریم.

سئوال: دیدگاه شما راجع به دیگر محورهای طرح تحول اقتصادی چه بوده و چه نقاط قوت وضعی برای ان قابل‌هستتید؟

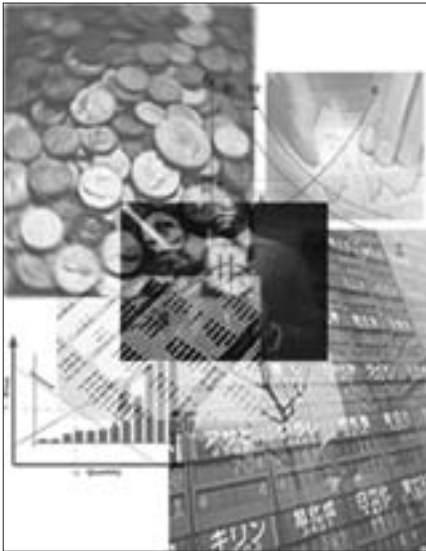
در مورد بقیه موارد هم، در قبل کم و بیش اقداماتی در کشور صورت گرفته است. در زمینه گمرک، قدم‌هایی برداشته شده است، ولی اگر قطعاً بخواهیم به تعامل فعال در اقتصاد جهانی برسیم و بخش تجارت را که بخش اصلی در اقتصاد کشور است، به خصوص در زمینه صادرات کالاهای غیرنفتی، ارتقا دهیم، باید در

سئوال: ارزیابی شما از طرح تحول اقتصادی رییس‌جمهور و به طور کلی الزام اجرای این طرح در کشور چیست؟

بحث تحول در اقتصاد ایران، سابقه‌ای طولانی در کشور داشته است و به دوره آقای رفسنجانی بازمی‌گردد. ایشان در برنامه دوم، بحث سازندگی ساختارهای اقتصادی یا ساختارهای لازم برای تحولات اقتصادی در ایران را مطرح نمودند و برنامه سوم توسعه را که محور اساسی آن، مبتنی بر اصلاح ساختار اقتصادی ایران بود، طراحی و به مرحله اجرا گذاشتند. به نظر می‌رسد که در زمینه اصلاحات ساختاری، کارنامه برنامه توسعه ایران مثبت بوده است. در برنامه چهارم هم در ادامه آن اصلاحات ساختاری، باز تلاش بر این بود که بعضی از اصلاحات باقیمانده ساختار اقتصاد ایران را، هم در قالب احکام قانون برنامه چهارم توسعه و هم در تدوین اسنادی که تحت عنوان اسناد بخشی، فرابخشی و منطقه‌ای بود مدنظر قرار دهیم. طرحی را که آقای رییس‌جمهور مطرح نموده‌اند، در بسیاری از موارد مورد بحث، در بخش‌های مختلف اسناد مربوط به قانون برنامه چهارم موجود بوده است. به عنوان مثال، در ماده ۵ قانون برنامه چهارم توسعه، موضوع بهره‌وری مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای ارتقای آن در کشور اندیشیده شده است یا در رابطه با هدفمندسازی یارانه‌ها، ماده ۹۵ برنامه چهارم، تکالیفی را برای دولت در نظر گرفته است. همچنین، ماده ۱۰۳ ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی را پیش‌بینی نموده است. آنچه ما در این خصوص کم داریم، سازوکار لازم و مناسب اجرایی و عملیاتی آن است.

سئوال: با توجه به سابقه وجود طرح‌های مشابه در دو دولت گذشته، اصلاحات پیشنهادی رییس‌جمهور را تا چه حد در تکمیل طرح‌های پیشین مؤثر می‌دانید؟

شاید سیستم‌ها و نظام‌های بالاتری برای طرح تحول داشته باشیم که برای توسعه کشور و اصلاح ساختار اقتصاد کشور نیازمند آنها هستیم؛ همچون نظام مالکیت، نظام تجاری، نظام پول، نظام حقوق و دستمزد، نظام تولید، نظام حقوق قضایی، نظام تأمین اجتماعی، نظام اداری و نظام توزیع کالا و خدمات - که این نظام آخر، جزو محورهای مطرح شده توسط رییس‌جمهور می‌باشد. اگر ما واقعاً بخواهیم مسأله اصلاح ساختار اقتصاد کشور را به صورت جدی مطرح کنیم، نیازمند آن هستیم که ارتباط بین تمام این نظام‌ها



صورت بگیرد، چنانچه با مطالعه همراه باشد، در راستای پیشرفت کشور است. یکی از اهداف کمی برنامه چهارم این بود که رشد اقتصادی ما ۸ درصد باشد. خوشبختانه در سیاست‌های کلی برنامه پنجم هم، مجمع تشخیص مصلحت، حداقل ۸ درصد رشد اقتصادی را پیشنهاد کرده است. این یک هدف دست‌یافتنی است به شرط آن که مقدمات و الزاماتش

■ اقتصاد ایران: متشکریم.

طرح تحول اقتصادی دولت، بسته‌ها و پیش‌زمینه‌ها

در حسرت فرصت‌ها

شاید اگر دولتمردان، در دوره‌های گذشته و پس از انقلاب، به قوانین برنامه توسعه که برای نوشته شدن آنها ساعت‌ها کار کارشناسی صورت گرفته است، پایبند بودند، امروز شرایط حاکم به گونه‌ای دیگر بود.

با مراجعه به آمارهای رسمی منتشره از سوی منابع آماری موثق، به خصوص اطلاعات منتشره توسط دبیرخانه کارگروه تحولات اقتصادی، متأسفانه شاهد این واقعیت هستیم که در سال‌های اخیر، نرخ رشد اقتصادی کشور همواره کمتر از مقدار مصوب دولت در برنامه بوده است. تحقق نرخ رشد بیش از ۸ درصد، با توجه به روند متلاطم رشد اقتصادی در این سال‌ها، نیازمند حرکتی انقلابی در زمینه تولید و زمینه‌سازی زیرساخت‌های تحقق آن می‌باشد. به نظر می‌رسد محور هفتگانه ریاست محترم جمهور، که آنها را به عنوان محورهای اصلی طرح تحول مدنظر قرار داده و اهتمام کابینه و مسؤولان ذیربط اقتصادی کشور را به سمت و سوی عملیاتی نمودن محورهای مذکور سوق داده است، در راستای تحقق اهداف برنامه‌های اقتصادی توسعه‌مدار و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور باشد. توجه به آمار نرخ رشد اقتصادی ایران در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۸۶ که ارقامی معادل ۳/۲۸، ۷/۵۶، ۶/۸۳، ۴/۸۴، ۵/۳۹، ۶/۶۰ و ۶/۷۰ درصد می‌باشد، روند کند رشد را طی سال‌های مذکور نشان می‌دهد. نرخ بیکاری کشور نیز در فاصله سال‌های فوق، به ترتیب ۱۴/۲، ۱۲/۸، ۱۱/۸، ۱۰/۳، ۱۱/۵، ۱۱/۲ و ۱۰/۶ درصد بوده است که روندی نزولی، اما کند را نشان می‌دهد. اگرچه روند نرخ بیکاری کشور، در سال‌های مذکور نزولی بوده، اما همواره دو رقمی بوده است. نرخ تورم نیز، متأسفانه همواره دو رقمی بوده و حتی علیرغم نزولی بودن این نرخ در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۸۴، این رقم از سال ۸۴ تاکنون به صورت فزاینده، روندی صعودی را تجربه کرده است. از طرفی، سهم دهک اول جامعه از هزینه کل، در حدود ۲ درصد و سهم دهم جمعیتی در حدود بیش از ۳۰ درصد کل هزینه‌ها می‌باشد که این موضوع، نابرابری‌های اجتماعی را در زمینه برخورداری از کل هزینه‌ها نشان می‌دهد.

از مطالعه آمارهای فوق، چنین برمی‌آید که در صورت فراهم آوردن بسترهای مورد نیاز، حرکت دولت به سمت جراحی اقتصادی در کشور و اصلاح و تحول در

را فراهم کنیم. هدف‌گذاری نرخ رشد ۸ درصد و یا رشد سرمایه‌گذاری ۱۱ درصد، در راستای این هدف بود که فاصله ما با کشورهای شبیه خودمان بیشتر از گذشته نشود و به تدریج بتوانیم در بلندمدت، خودمان را به کشورهایی که از ما پیشی گرفته بودند، برسانیم.

امور اقتصادی آن، حرکتی مطلوب و پسندیده است که امید به بهبود را در آینده تقویت می‌نماید.

حرکت به سمت اقتصاد نوین

طرح تحول اقتصادی دولت با محوریت چهار آرمان اصلی مبتنی بر عدالت، دور از فساد و تبعیض، رشد یافته و مبتنی بر جنبش نرم افزاری و توسعه یافته، در راستای اصلاح نهادی و ساختاری اقتصاد، با تکیه بر اصلاح سیاست‌های اقتصادی و توسعه نوآوری و فن‌آوری مطرح گردیده است که در راستای گذار از اقتصاد سنتی به سمت اقتصاد نوین، برنامه‌ریزی شده است. پایه‌گذاری اقتصاد بر مبنای رقابت‌های جهانی، جهت‌گیری اقتصاد به واسطه کارآفرینی نوآورانه شرکت‌های دانش محور به جای شرکت‌های صنعتی، احتساب نوآوری و دانش به عنوان عوامل تولید به جای نیروی کار و سرمایه، ارزش‌گذاری برای تحقیق، اشتغال مبتنی بر هزینه فرصت و ریسک و نه اشتغال انعطاف‌ناپذیر و تنظیم انعطاف‌پذیر به واسطه ابزارهای بازار به جای تنظیم دستوری و نظارتی، از ویژگی‌های اقتصاد نوین می‌باشد که امید است طرح تحول اقتصادی دولت، مطابق اهداف مدنظر کارشناسان، در حصول نتایج فوق، موفق عمل نماید.

آینده، در گروی گذشته

ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم، با صراحت، بحث هدفمند کردن منابع تأمین اجتماعی و یارانه ای را در راستای برنامه‌های عدالت اجتماعی مطرح نموده و راهکارهای محرومیت زدایی و کاهش فقر را از طریق گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی و در ابعاد جامعیت، فراگیری و اثربخشی (بند الف - ماده ۹۸ فصل هشتم) مطرح می‌نماید و در این راستا، اعمال سیاست‌های مالیاتی را با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها، به عنوان راه حل معرفی می‌نماید. راهکارهای منطقی و کارشناسی این ماده

قانونی، می‌تواند دولت محترم احمدی نژاد را در راستای تحقق اهداف یارانه ای طرح تحول اقتصادی، یاری دهد.

همچنین، مطابق ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت، یارانه‌های نقدی و وجوه اداره شده دولتی را منبع هرگونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی و اولویت‌های مربوط به بخش‌ها و مناطق مختلف کشور می‌داند و تنها استفاده از نرخ‌های پایین تسهیلات را زمانی مجاز دانسته که این تسهیلات از طریق این وجوه باشند، که این عامل در کنترل تورم و رشد نقدینگی، عاملی مؤثر می‌باشد. این در حالی است که در بند «ج» ماده ۱۰، دولت نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیکی، پیاده‌سازی رویه‌های الکترونیکی تبادل پول و خدمات بانکی برای همه مشتریان مکلف شده است. راهکارهایی که در مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون برنامه چهارم مورد بررسی و تقنین قرار گرفته است، در بسیاری از موارد می‌تواند در نیل به نتیجه اهداف طرح تحول اقتصادی دولت نهم، راهگشا باشد.

در عین حال، برنامه چهارم توسعه با اشاره به مباحثی چون رقابت‌پذیری در اقتصاد (مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ فصل سوم)، جذب فن‌آوری‌های برتر در بخش‌های مختلف (ماده ۴۰) و بهبود فضای کسب و کار از طریق کنترل نوسانات شدید نرخ ارز، تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید، برنامه‌ریزی و اجرای توسعه زیربنای، بازنگری قانون و مقررات مربوط به نیروی کار و موارد دیگر پیش‌بینی شده در این ماده قانونی (ماده ۴۱)، فراتر از طرح تحول اقتصادی، به قانون‌گذاری در حیطه اقتصاد پرداخته است.

امید است دولت با سرلوحه قراردادن حرکت‌های اصلاحی پیشین و اتکا به نظرات کارشناسی شده دولت‌های قبل و کارشناسان و مدیران کنونی و با رعایت شرایط موجود کشور، که به اعتقاد برخی کارشناسان، توان و ظرفیت مقابله با آثار مخرب برخی تصمیمات دولت را همانند «پرداخت نقدی یارانه‌ها» ندارد، مسیری صحیح را پیموده و به سرمنزل مطلوب برسد. ■